## سینماماشین ادامه می‌یابد

مدیر طرح سینما ماشین می‌گوید مصمم است با وجود بازگشایی سالن‌های سینما، طرح سینما ماشین را به‌عنوان تجربه‌ای متفاوت از مواجهه مخاطب با فیلم، ادامه دهد. صفرخانی گفت: ایمان دارم که اگر ۲ درصد مردم کشورمان ماهی فقط یک بار به سینما بروند، صنعت سینمای ما با رشد بسیار بالایی مواجه خواهد شد و آنجاست که می‌توان به اقتصاد این هنر و اثرگذاری آن در اقتصاد کلان کشور بسیار امیدوار بود. /ایرنا

## بررسی «شیوه شمس در تاویل کلام الهی»

نشست «شیوه شمس در تاویل کلام الهی» به صورت مجازی برگزار می‌شود. بیست‌وچهارمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره شمس تبریزی در ساعت ۱۶ چهارشنبه ۲۵ تیر با سخنرانی محمدرضا موحدی به‌صورت مجازی از صفحه اینستاگرام مرکز فرهنگی شهرکتاب پخش خواهد شد. مدتی است که مرکز فرهنگی شهر کتاب از طریق صفحه اینستاگرامش به برگزاری برنامه‌های مفید در فضای مجازی اقدام کرده است. /ایسنا

بالی‌لی گلستان، مترجم و مدیر گالری گلستان در زادروزش درباره تمام موفقیت‌ها و حواشی زندگی‌اش از جمله سریال آقازاده گفت‌وگو کرده‌ایم

# ما به زندگی بدهکاریم نه طلبکار

اثری از سهراب سپهری، مورد مناقشه بین گلستان و سازندگان آقازاده

آذر مهاجر

ادبیات و هنر

**لی‌لی گلستان اگر اولین بانوی گالری‌دار در ایران نباشد، حتما جزو اولین‌هاست و با آدم‌های مهمی در دنیای هنر و ادبیات در ارتباط بوده است. او بیش از ۴۰ کتاب ترجمه کرده و خیلی‌ها نامش را از همان اولین کتابی که ترجمه کرده بود- یعنی «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» نوشته اوریانا فالاچی- به یاد دارند، اما گلستان حالا خیلی بیشتر از یک مترجم صاحب‌نام است. او در سال‌های اخیر به یک چهره بدل شده و هر اقدامی که می‌کند، واکنش‌ها و حاشیه‌هایی به دنبال دارد؛ حاشیه‌هایی که پی در پی رخ می‌دهند، یکی تمام می‌شود، بعدی از راه می‌رسد یا قبلی‌ها دوباره رو می‌آیند تا به عنوان یک گالری‌دار همچون یک سلبریتی به نظر برسد، آن هم در حالی که امروز ۷۶ ساله می‌شود. بالی‌لی گلستان در روز تولدش درباره سال‌های فعالیت و حضورش در عرصه هنر حرف زدیم، استمرار و موفقیتش در این عرصه و همین طور درباره برخی حاشیه‌ها از جمله تابلوی سهراب سپهری که این روزها داستانش را سریال آقازاده روایت می‌کند.**

***سال‌هاست که فعالیت هنری دارید و حداقل ۴۰ سال است که گالری گلستان را مدیریت می‌کنید. این حضور مستمر و موفقیت‌تان را مدیون کدام ویژگی شخصیتی یا خصوصیت رفتاری خودتان می‌دانید؟***

بیشتر از هر چیز به این دلیل که پشتکار و استمرار دارم. وقتی کاری را شروع می‌کنم خیلی جدی به آن نگاه می‌کنم و دنبالش را می‌گیرم، مسائلم را چاره‌جویی و با علاقه کار می‌کنم.

به نظرم آدم وقتی به کاری علاقه‌مند است، باید خیلی با وسواس آن را انجام بدهد. وسواس به‌علاوه صداقتی که با مخاطب و هنرمندان داشتم و راحتی و رهایی که در این رابطه‌ها بود، باعث شد به اینجا برسم. معتقدم رک و راستی و صداقت جواب می‌دهد. خیلی‌ها به من ایراد گرفتند که تو زیادی صریح هستی، زیادی راحت حرف می‌زنی و زیادی عقیده‌ات را ابراز می‌کنی اما من این طوری هستم و راستش را بخواهید نتیجه بدی هم نگرفته‌ام. پس همین شیوه را ادامه خواهم داد.

***در سال‌های اخیر گویی تبدیل به سلبریتی شده‌اید که برای یک گالری‌دار اتفاق نادری است. فکر می‌کنید علت و ریشه‌اش در کجاست؟***

با کلمه سلبریتی موافق نیستم، اما من آدمی هستم که کار می‌کند؛ ترجمه کرده‌ام، گالری‌داری کرده‌ام و همه این کارها را با جدیت انجام داده‌ام. اگر مردم لطف دارند و رابطه خوبی شکل گرفته و علاقه‌مند به کارهای من هستند، لطف آنهاست. مردم قدر می‌دانند و خوب و بد را از هم تشخیص می‌دهند. کسانی که فکر می‌کنند مردم نمی‌فهمند، شعور ندارند، پس هر کاری خواستیم بکنیم، کاملا در اشتباه هستند. من هر کاری کرده‌ام برای مردم بوده و به خاطر مردم و آنها هم این را فهمیده‌اند. این خیلی مهم است که فهمیده و قدردانسته‌اند و من هم قدردان هستم و از همه آنها متشکرم؛ از همه مخاطبان و همه هنرمندانی که با من کار کرده‌اند. این حرف‌ها را از روی تواضع و فروتنی هم نمی‌زنم، راستش را بخواهید به آن اعتقاد دارم.

***چرا هر اقدامی که می‌کنید، با واکنش‌های پررنگ و چگال مواجه می‌شود؟ مثلا وقتی در تدکس TEDex سخنرانی کردید، بازتابی گسترده داشت یا مثلا شما را مافیای هنرهای تجسمی می‌دانند یا همین طور اظهارات‌تان درباره فروغ فرخزاد که هر چند وقت یک بار رو می‌آید و واکنش‌های بسیاری برمی‌انگیزد.***

این کارها از نوع رفتار و تربیت و فضای فرهنگی- هنری و سال‌ها تجربه‌ام می‌آید. این کارها با هدف سر و صدا کردن یا دیده شدن نمی‌کنم. من کار خودم را می‌کنم و اتفاقا مردم می‌پسندند، مثلا ترجمه می‌کنم و اتفاقا به چاپ‌های بالاتر می‌رسد. شاید ماجرا این است که مردم می‌دانند من کار بزن در رو نمی‌کنم. فهمیده‌اند که با وسواس و دقت زیادی کار می‌کنم. در ضمن این هم طبیعی است که پشت سرم حرف بزنند. وقتی کسی دیده شود، پشت سرش حرف هست، همیشه همین بوده، قبل از انقلاب و حالا. از این بابت ناراحت نیستم. بگویند مافیای گالری گلستان! اصلا نمی‌فهمم یعنی چه و برایم مهم نیست. آیا حمایت کردن از جوانان اسمش مافیا است؟ یادداشتم درباره فروغ فرخزاد هم معتقدم دوباره آن را رو کردن یک جور شیطنت آگاهانه است. فکر می‌کنم آن حرف‌ها مربوط به دهه ۷۰ باشد. دقیقا خاطرم نیست اما فکر می‌کنم از من سوال شد که به عنوان یک دختر در آستانه بلوغ در خانه‌ای که این حرف‌ها و اتفاقات در آن بوده، چه حسی داشتی یا راجع به این شاعر چه فکر می‌کنی. خب من مادرم را می‌دیدم و طبعا طرف مادرم بودم و طبعا دوست نداشتم کسی بیاید زندگی ما را به هم بزند که زد. کسانی که دارند از من بابت اظهاراتم ایراد می‌گیرند اگر برای خودشان همین اتفاق رخ بدهد، همین طور قضاوت می‌کنند؟ این حرف‌ها را می‌شنوم و نشنیده می‌گیرم. از این گوش می‌شنوم و از گوش دیگر در می‌کنم. آنقدر انتقادهای عجیب کردند، حرف‌های بد زدند که اندازه ندارد، اما از بچگی به من یاد دادند که دقت داشته باشم و ببینم چه کسی چه چیزی می‌گوید. در خانواده‌ام به من یاد دادند که هر کسی از من تعریف کرد خوشحال نشوم و هر کسی مرا تکذیب کرد، ناراحت نشوم. من این را یاد گرفته‌ام و اصلا از حرف‌هایی که پشت سرم می‌زنند، ناراحت نمی‌شوم. خودم می‌دانم این حرف‌ها را به چه دلیل و در جواب چه سوالی گفته‌ام. درست هم گفته‌ام. شعر فروغ به جای خودش قابل تعریف است اما به عنوان یک انسان با این عملکرد قابل تعریف نیست. همیشه هنر را از هنرمندش باید جدا کرد.

***حتما سریال آقازاده را دیده‌اید. نظرتان درباره تابلوی سهراب سپهری و داستان جعل تابلو در این سریال چیست؟ قصد ندارید واکنش نشان بدهید؟***

من فکر می‌کنم این یک جریان برنامه‌ریزی شده است و به نظرم با هدف خاصی انجام گرفته؛ نمی‌دانم هدفشان چیست اما می‌دانم حتما نیتی دارند؛ نیتی که خیر نیست شر است. این کارها برای چیست؟ مردم دارند به کرونا مبتلا می‌شوند و روزی ۲۰۰ نفر جانشان را از دست می‌دهند و می‌بینیم اوضاع مملکت و گرانی بیداد می‌کند، آن وقت می‌آییم و چنین فیلمی می‌سازیم.

من باز هم برای هزارمین بار از این گوش می‌شنوم و از گوش دیگر در می‌کنم و چون اهمیت نمی‌دهم به این چیزها. اما من از بالا به این اتفاقات نگاه می‌کنم. آدم‌هایی که از این کارها می‌کنند، بدانند همه‌اش نقش بر آب است.

***آیا در این لحظه از زندگی، آدمی مثل شما ممکن است حسرتی داشته باشد یا کار نکرده‌ای که دلش می‌خواسته انجام بدهد؟***

نه، حسرتی ندارم. شاید با خودم فکر کنم اگر فلان کار را نمی‌کردم، بهتر بود و در کارم موفق‌تر می‌شدم ولی این‌که کاری بوده که دلم می‌خواسته انجام بدهم و نداده باشم، نه نبوده است. امروز ۷۶ ساله می‌شوم و حسرتی ندارم. سه فرزند درجه یک دارم. یک گالری معتبر دارم، ۴۰ کتاب منتشر کرده‌ام که تمام آنها به چاپ ششم تا چاپ سی و هشتم رسیده. سختی‌هایی داشته‌ام و خوشی‌هایی و مهم‌تر از همه مزد زحماتم را از مردم گرفته‌ام. همیشه معتقد بوده‌ام ما به زندگی بدهکاریم و نه از آن طلبکار. تا جایی که توانسته‌ام بدهی‌ام را داده‌ام و طلبی ندارم جز سلامت بچه‌هایم. حسرت هیچ کار نکرده‌ای را نمی‌خورم و بعد از ۷۶ سال سرم را بالا می‌گیرم و می‌گویم شکر.

البته سخنرانی در تدکس TEDex هم بسیار به من کمک کرد. این سخنرانی خیلی شنیده شد و خیلی بازتاب عجیب و فوق‌العاده‌ای داشت. خانم‌های زیادی به من لطف داشتند و حتی با من درددل کردند درست مثل این‌که من مشاور خانواده شده بودم. تا جایی که بلد بودم کمک کردم و تا آنجا که می‌شد تجربیات خودم را در میان گذاشتم. تدکس خیلی کمک کرد شناخته شوم و این اتفاق عجیبی در زندگی من بود. این‌که مرا در خیابان می‌بینند و می‌شناسند به خاطر همان سخنرانی است و حالا هم چون آن سخنرانی زیاد دیده شده درباره‌اش کتاب منتشر می‌کنند. این همه بازتاب فقط به خاطر صمیمیت و صراحت من بود. من از همه متشکرم.

**گلستان: شعر فروغ به جای خودش قابل تعریف است اما به عنوان یک انسان با این عملکرد قابل تعریف نیست. همیشه هنر را از هنرمندش باید جدا کرد.**

در انتخاب‌ها را گوشزد می‌کند و می‌گوید: «برخی انتخاب‌ها و برگزیده شدن‌ها در فضای جشنواره‌های کشور، گروهی، جریانی و سیاسی است. برای مثال کتابی در یک جشنواره جایزه می‌گیرد و عموم متولیان آن جشنواره اذعان دارند اثر قابل توجهی است اما در جشنواره دیگر که رویکرد سیاسی مخالف جشنواره اول را دارد، آن کتاب حتی در بین نامزدهای اولیه کسب جایزه نیز قرار نمی‌گیرد. این به اعتبار هردو جریان اصلی ضربه می‌زند؛ هم جریان ادبیات به اصطلاح متعهد و نزدیک به حاکمیت و هم جریان به اصطلاح مستقل و روشنفکر. وقتی نامزدهای جوایز هردوی اینها همپوشانی ندارند، اعتبار هردوی این جریان‌ها زیر سوال می‌رود.»

کامران پارسی‌نژاد در این خصوص خاطره‌ای نقل می‌کند: «سال ۸۵ در جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی داور بودم. خاطرم هست کتاب «اندکی سایه» از احمد بیگدلی آن سال برنده شد و ما اصلا آقای بیگدلی را نمی‌شناختیم. یعنی او به هیچ گرایشی سمت و سو نداشت و بعد از برگزیده شدن در جشنواره شهرت پیدا کرد به طوری که او به من می‌گفت: «شما مرا زنده کردید!»

پارسی‌نژاد در بخشی از صحبت‌های خود درباره جایزه جلال آل احمد که معتبرترین جشنواره داخلی در بین داستان‌نویسان است، می‌گوید: «جایزه جلال با رقم خوبی در جایزه آغاز به کار کرد اما متاسفانه به تدریج وزارت ارشاد از رقم این جایزه کم کرد. ما در جایزه جلال فرصت این را داشتیم که شاخص‌ترین اثر ادبی ایرانی را در هر سال شناسایی کنیم چون این جایزه از اعتبار بالایی برخوردار بود. اما روند جایزه به تدریج به سمتی متمایل شد که در بعضی از سال‌ها کتابی از یک نویسنده نوقلم تنها به علت ارتباط او با یک فرد یا ناشر خاص، حائز رتبه می‌شد و این اعتبار جایزه را خدشه‌دار کرد. روند جایزه جلال می‌توانست خیلی بهتر از اینها باشد اما به علت سیاست‌های اشتباه در داوری عقیم ماند. در نهایت این شد که در این جایزه و بسیاری از جوایز ادبی ایران این جمله معروف شد که: «بگو کدام داور تا بگویم کدام اثر؟»

ضمایر [او]

## «قطار سفید» از راه رسید

### روایت تازه شمس لنگرودی از تنهایی، عشق و مرگ منتشر شد

شمس لنگرودی را باید یکی از هدفمندترین هنرمندان معاصر بدانیم؛ هنرمند و اهل قلمی که برای ثانیه به ثانیه زندگی‌اش برنامه دارد و به عقیده خودش اگر وارد حوزه جدیدی می‌شود، سعی می‌کند در آن حوزه هدف داشته باشد و کار را به نحو احسن انجام دهد. او طی روزهای گذشته اقدام به انتشار مجموعه شعر «قطار سفید» کرد که این مجموعه در ۲۲۲ صفحه از سوی انتشارات نگاه راهی بازار نشر شد.

او می‌گوید تنهایی، عشق و مرگ المان‌هایی هستند که همیشه در شعرهایش وجود دارند و در کتاب قطار سفید هم دیده می‌شود، اما با تاکید می‌گوید آن امیدی که در کتاب‌های قبلی من وجود داشته در شعرهای این کتاب کمتر دیده می‌شود.

او در گفت و گویی که با ایبنا درباره کتاب تازه‌اش انجام داده، شعرهای این کتاب را جزو سروده هایش در دهه ۹۰ دانسته است. این شاعر درباره انتشار کتابش در شرایط کرونا گفت: ترسی نداشتم کتابم در دوران کرونا منتشر شود و برای آن نیز دلیل داشتم. نخست این‌که به نیاز به صبر کردن ندارم؛ زیرا یک عده مخاطب دارم که وقتی می‌فهمند من کتاب منتشر کردم، تهیه می‌کنند و خیلی با این چیزها کاری ندارند.

از طرفی یک عده هم هستند که شعرهای مرا دوست ندارند و هر زمانی هم که کتاب را منتشر کنم، آن را تهیه نمی‌کنند، بنابراین برای من یکی زیاد فرقی ندارد. به نظرم ما کرونا کم نداشتیم و حالا فقط یکی به آنها اضافه شده است.

یکی از نکات متفاوت کتاب تازه شمس لنگرودی نسبت به دیگر آثارش این است که برخلاف گذشته هر شعر در یک صفحه منتشر نشده است. او در این باره توضیح می‌دهد: مدت‌هاست اصراری ندارم که حتما از شیوه‌های گذشته برای چاپ کتاب استفاده کنم و هر شعر را در یک صفحه بیاوریم، چراکه با توجه به وضعیت گرانی کاغذ دلیلی ندارد یک صفحه را به یک شعر اختصاص دهیم و این مسخره است و می‌توان چند شعر را در یک صفحه آورد. البته این‌که در گذشته چنین کاری انجام می‌شد، کار غلطی نبود و تصور بر این بود که هر شعر کتابی است؛ بنابراین هر شعر را باید در یک صفحه مستقل چاپ کرد، اما الان با این گرانی ضرورتی ندارد و به نظرم پشت سرهم چاپ شود، بهتر است.

تازه خبر

## فرزانه فخریان، معاون فرهنگی سروش شد

فرزانه فخریان با حکم ابراهیم شمشیری، مدیرعامل انتشارات سروش به عنوان معاون فرهنگی و تولید انتشارات سروش منصوب شد. فخریان دانش‌آموخته دانشگاه تهران در رشته کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، کارشناس ارشد زبان‌شناسی و دانشجوی دکترای زبان‌شناسی بوده و مسلط به زبان‌های روسی، انگلیسی و اسپانیایی است. در کارنامه فخریان سوابق اجرایی چون: مدیر روابط عمومی و ارتباطات بین‌الملل بنیاد شعر و ادبیات داستانی و مشاور توسعه و برنامه‌ریزی فرهنگی انتشارات علمی و فرهنگی دیده می‌شود.

عدد چهارم

## فراخوان «تئاتر ۱۹»

۱۹

عمارت نوفل‌لوشاتو برای اجرای تئاترهایی متناسب با عصر فاصله‌گذاری اجتماعی در زمانه شیوع کرونا، فراخوانی با عنوان «تئاتر ۱۹» منتشر کرد. این فراخوان شامل بخش‌های تئاتر صحنه‌ای، مونولوگ، دیگرگونه‌های اجرایی و پژوهش خواهد بود که مرحله نخست آن به پذیرش ایده در بخش «دیگرگونه‌های اجرایی» اختصاص دارد. در هفته‌های آتی، فراخوان بخش‌های دیگر هم منتشر خواهد شد.

عدد سوم

## ...دیدچاپ «اسرار و ابزار طنزنویسی»

۳۱

...اسرار و ابزار طنزنویسی» نگارش، تدوین و ترجمه مرحوم محسن سلیمانی به چاپ ...رسید. کتاب از سه فصل اصلی با عناوین «اصول طنزنویسی»، «قالب‌های طنزنویسی» ...نویسی به روایت طنزنویسان» تشکیل شده است. این سه فصل کلی به ۳۱ بخش ...م شده و در هر یک از این بخش‌ها به جزئیات طنزنویسی پرداخته شده است. از ...های این کتاب می‌توان به واژه‌نامه انگلیسی. فارسی و فارسی. انگلیسی در انتهای کتاب ...کرد.

کتاب [عطف]

## جایزه کتاب ملی آمریکا مجازی برگزار می‌شود

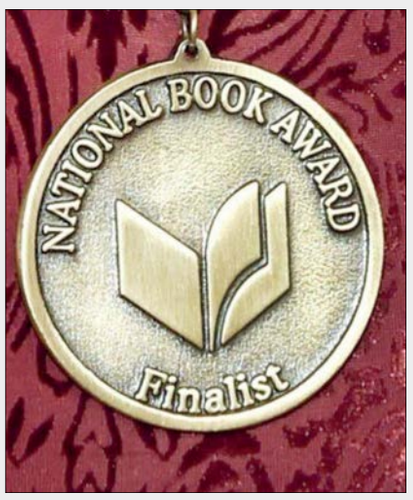


بنیاد کتاب ملی آمریکا اعلام کرد به دلیل نگرانی‌های موجود درباره شیوع کرونا و به منظور تضمین سلامت تمام شرکت‌کنندگان، مراسم جایزه کتاب ملی امسال ۱۸ نوامبر (۲۸ آبان ۹۹) و به صورت آنلاین برگزار می‌شود.

دیوید اشتاینبرگر، رئیس هیأت مدیره این بنیاد با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: گرچه این روش برگزاری برای ما تازگی دارد؛ هیأت مدیره و کارکنان بنیاد کتاب ملی همچنان به برگزاری این مراسم با رعایت استانداردهای بالایی که از آن انتظار می‌رود، متعهد هستند.

مهلت ارسال آثار برای شرکت در این رقابت به دلیل شیوع کرونا از اول آوریل (۱۳ فروردین ۹۹) تا ۲۰ می (۳۱ اردیبهشت ۹۹) تمدید شد و به گفته اشتاینبرگر، امسال با وجود شرایط فوق‌العاده ناشی از شیوع کرونا در مقایسه با سال گذشته در تعداد آثاری که ناشران برای شرکت در این رقابت ارسال کردند، تغییری ایجاد نشده است. / ایرنا

فاسبندر، آیدان ترنر و سیلیان مورفی بقیه بازیگرانی هستند که در نظرخواهی توانسته‌اند تعدادی از آرا را به‌دست بیاورند. در بین این افراد، البا سیاهپوست است و مدتی شایع شده بود که به‌عنوان اولین جیمز باند رنگین‌پوست، جلوی دوربین ظاهر خواهد شد. دانیل کریگ که پنجمین فیلم جیمز باندی او «زمانی برای مردن نیست» ۱۲ نوامبر ۲۰۲۰ اکران عمومی می‌شود، با این فیلم برای همیشه از بازی در نقش مامور ۰۰۷ خداحافظی می‌کند. او حاضر به تمدید قرارداد خود با شرکت سونی نشد و گفت تمایلی به ایفای دوباره نقش یک مامور بزن‌بهادر ضدجاسوسی ندارد.

بحث انتخاب جیمز باند بعدی سینما چند سال است که هم در شرکت سونی و هم در رسانه‌ها جریان دارد. طی چند سال اخیر، حتی صحبت از یک جیمز باند زن نیز در کنار یک جیمز باند رنگین‌پوست شده است. سال قبل پیرس برازنان که زمانی لباس مامور ۰۰۷ را به تن داشت، پیشنهاد کرد با انتخاب یک بازیگر زن برای ایفای نقش جیمز باند حال و هوای تازه‌ای به این مجموعه اکشن دلهره‌آور کلاسیک داده شود. بعد از او، جورج لازنبری اولین جیمز باند سینما نام مارگوت رابی را به‌عنوان بازیگر نقش جیمز باند در قسمت‌های بعدی آن مطرح کرد! همه اینها در حالی است که سام هیوگان از بازی در نقش جیمز باند استقبال کرده و گفته منتظر است تا تهیه‌کنندگان فیلم با او تماس گرفته و برای ایفای این نقش کلاسیک، او را دعوت کنند.

/ هالیوود ریپورتر